

بسم الله الرحمن الرحيم

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا (بقره : ۲۱۹)

آیاتی که پس از این می‌آید جلوه‌هایی از حکمت الهی و از حساب و کتابی است که در این احکام نهفته است؛ توضیحی درباره اینکه انسان، در مسیری که به سوی خیر دنیا و آخرت پیش می‌رود، چگونه باید حدود الهی و دستورات را بر اساس تعقل رعایت کند. در این احکام چیزی جز عقل، مصلحت و حسابی که به نفع خود انسان است وجود ندارد. در توضیحاتی که آیات درباره این احکام، منافع، مشکلات و حدود آن‌ها بیان می‌کنند، جزئیاتی ذکر می‌شود تا این دقت و همه‌جانبه‌بودن روشن گردد. آنجا که از شراب و قمار سخن می‌رود و پرسش از آن‌ها مطرح می‌شود، همراه با بیان گناه و معصیتی که در آن‌ها هست، فراموش نمی‌شود که منافعی نیز دارند. چنین نیست که با ورود به این دو مسئله، از جزئیاتی که ممکن است در ذهن انسان باشد غفلت شود. حتی درباره امری که سرتاسر تباهی است - خمر و میسر، یعنی شراب و قمار - به سود آن هم اشاره می‌شود: «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ». یعنی برای انسان منافعی نیز دارد، اما «إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَفْعِهِمَا»؛ آنچه در آن‌هاست و سبب حرمتشان می‌شود، همان معصیت و ضرر عظیمی است که در آن‌ها وجود دارد، هرچند منافعی اندک نیز داشته باشند.

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره : ۲۱۹)

این موضوعات روشن و واضح که به عنوان حکم الهی بیان شده‌اند، نشانه‌هایی الهی‌اند و همه این بیان‌ها برای تفکر و تأمل انسان است؛ این تفکر تنها به این معنا نیست که انسان صرفاً به دلیل شنیدن دستور خداوند عمل کند؛ فراتر از آن است. تمام مصلحت دنیا و آخرت در این احکام نهفته است. خداوند اربابی نیست که در آسمان‌ها نشسته باشد و صرفاً دستور داده باشد و ما فقط دستورگیرنده باشیم؛ آن‌گونه که گاه در ذهن دینداران یا در تبلیغات دینی رایج می‌شود. مقصود این است که این احکام توضیحات، تأملات و مصالح دقیق و عمیقی دارند که هم دنیای انسان را سامان می‌دهد و هم آخرت را؛ هم مادیت و هم معنویت انسان را بیان می‌کند.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (بقره : ۲۲۰)

در ادامه، هر جمله دنیایی از مصالح اجتماعی و دستورها را کنار هم بیان می‌کند؛ از جمله درباره یتیمان، کسانی که از نظر اجتماعی پشتیبان خود را از دست داده‌اند. شما وظیفه دارید امور آنان را اصلاح کنید و نه تنها این وظیفه را دارید، بلکه در معاشرت باید با آنان همچون انسان‌هایی که با شما برابر هستند رفتار کنید. حق ندارید به سبب بی‌پشتیبانی آنان، برای خود برتری قائل شوید.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (بقره : ۲۲۰)

خداوند به نیت‌های مفسد و مصلح آگاه است.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره : ۲۲۰)

این دستورها برای رنج و زحمت شما نیست، بلکه حکمتی است که خداوند برای زندگی شما در این جهان مقرر کرده است.

وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَّامَةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ (بقره : ۲۲۱)

یعنی در روابط با جنس مقابل، حق ندارید امور روحی و آنچه به حقیقت وجودی شما – یعنی ایمان – مربوط است فراموش کنید و صرفاً به دنبال غرائز، شهوات و جلوه‌های زودگذر ظاهری باشید.

وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ (بقره : ۲۲۱)

در روابط انسان تناسب وجودی و روحی مهم‌تر از منزلت‌های اجتماعی است. انسانی که در ظاهر کنیز یا غلام است و جایگاه اجتماعی ضعیف‌تری دارد، اگر از حیث وجودی به شما نزدیک‌تر باشد، برای شما بهتر است از کسی که ظاهر اجتماعی بالاتری دارد اما از نظر ایمان با شما فاصله دارد.

أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ (بقره : ۲۲۱)

این آیات برای فهم و یادآوری انسان‌هاست، نه برای به‌زحمت انداختن آنان.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ (بقره : ۲۲۲)

سپس وارد دستورهایی درباره حالات بدنی و جسمی انسان می‌شود؛ این فرایندهای جسمی، حالت‌هایی طبیعی هستند و هنگامی که به دشواری و رنج نزدیک می‌شوند، همچون بیماری هستند. در این موارد موظفید وظایف خود را رعایت کنید و حق ندارید از حدود تعیین‌شده فراتر بروید. بسیاری از موانع و مشکلاتی که به‌طور طبیعی ممکن است برای جنس مقابل ایجاد شود، از جمله ممنوعیت‌هایی است که باید رعایت گردد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره : ۲۲۲)

انسانی که در برابر خداوند قرار دارد، اگر دچار خطا شود و اگر انسان نقصی داشته باشد و بازگردد، خداوند او را دوست دارد و خداوند کسانی را دوست دارد که از انواع آلودگی‌های درونی و بیرونی دوری می‌کنند.

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره : ۲۲۳)

آنچه از جنس مقابل در اختیار شماست، مانند محیطی است که انسان در آن با عمل خود برای آینده خویش اقدام می‌کند. آن را صرفاً یک حرکت غریزی تصور نکنید؛ عملی است که شخصیت شما در آن کاشته می‌شود و هویت، سرنوشت و آینده شما همان‌جا شکل می‌گیرد. آنچه در آنجا انجام می‌دهید، همان شخصیتی است که برای خود ایجاد می‌کنید. تقوای الهی داشته باشید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را بشارت دهید. توجه داشته باشید که در این محدوده‌ای که در آن هستید و گاه می‌پندارید زندانی است که باید تنها به امور کوتاه پردازید، روزی از این زندان خارج می‌شوید و در برابر ابدیت قرار می‌گیرید؛ خوشا آنان که این را درک می‌کنند. (بشارتی بر آنها باد) سپس اشاراتی به آنچه در میان عرب درباره سوگندها مرسوم بوده می‌آید؛ به‌طور کلی درباره توجه انسان به مقدسات و استفاده‌ای که گاه از آنها برای هموار کردن مسیر اجتماعی خود می‌کند، مانند قسم خوردن. نهی می‌شود از اینکه این سوگندها را ابزاری برای کارهای دنیایی خود قرار دهید.

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبْرُوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره : ۲۲۴)

خداوند نیت باطنی شما را می‌داند و این مقدسات نباید ابزاری شوند برای ترک تقوا یا اصلاح نکردن امور.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (بقره : ۲۲۵)

لغزش و خطای ناخواسته موجب مؤاخذه نمی‌شود، اما آنچه در درون و نیت انسان است، آثارش در روح و روان و زندگی و شخصیت او آشکار می‌شود.

پس از آن برخی احکام اجتماعی مربوط به همین سوگندها بیان می‌شود و سپس روابط انسان در زندگی زناشویی با دقت مطرح می‌گردد، با این تأکید که: اِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ (بقره : ۲۲۹)

این تضادها و تنش‌هایی که در رابطه با جنس مقابل یا در زندگی اجتماعی پدید می‌آید و موجب تشّت و بلا تکلیفی می‌شود، باید به سوی اصلاح هدایت گردد. اگر در رابطه‌ای قرار گرفته‌اید که نه به‌سوی زندگی درست پیش می‌رود و نه به‌سوی جدایی، این حالت سرگردانی را رها کنید. یا زندگی را نگه دارید، اما به‌معروف؛ یعنی شایسته و با نیکی زندگی کنید. یا اگر می‌خواهید جدا شوید، به احسان؛ مانند دو انسانی که امکان همراهی ندارند و با خوبی و آرامش از هم جدا می‌شوند. این جدایی نباید با نزاع و فشار همراه باشد؛ دو انسان می‌توانند به این نتیجه برسند که ادامه زندگی ممکن نیست و با نیکی یکدیگر را رها کنند.

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ (بقره : ۲۲۹)

وقتی به اختلافات می‌رسید، روابط مالی را ابزاری برای فشار بر طرف مقابل قرار ندهید. آنچه در گذشته میان شما ردوبدل شده، نباید وسیله‌ای برای ایجاد درگیری تازه پس از جدایی شود. این ابزارهای فشار را کنار بگذارید.

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ (بقره : ۲۲۹)

مگر آنجا که دستور الهی و مصلحت واقعی در میان باشد، نه حبّ و بغض شخصی.

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره : ۲۲۹)

هرکس از این حدود خارج شود ظلم کرده است. سپس دوباره به برخی احکام و مسئله طلاق اشاره می‌شود

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَنُتَّعِدُوهُنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا (بقره : ۲۳۱)

و تأکید می‌گردد که یا به گونه‌ای شایسته رابطه را نگه دارید یا با خوشی و نیکی رها کنید، و زندگی را در حالی ادامه ندهید که در آن به طرف مقابل زیان می‌زنید و برای فشار آوردن و ستم کردن آن را نگه می‌دارید.

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ (بقره : ۲۳۱)

الا این ظلم را بر نفس خویش وارد می‌کند و هرکس چنین کند، به خود ستم کرده است و آثارش برای خود او در این جهان و آن جهان ظاهر می‌شود.

وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا (بقره : ۲۳۱)

وقتی این کلمات را می‌شنوید، تمسخر نکنید و گمان نبرید که سخنی ساده گفته شده است. هنگامی که جامعه را با همه مسائلش می‌بینید و چیزهای بسیاری به شما کمک می‌کند تا بی‌توجهی به این آیات را برای خود توجیه کنید، این همان به تمسخر گرفتن آیات الهی است.

وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ (بقره : ۲۳۱)

این کتاب و حکمت، این دستورات و آنچه خداوند از این راه برای تذکر و نصیحت به شما بیان می‌کند، باید جدی گرفته شود.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره : ۲۳۱)

خداوند بیناست و شما را می‌بیند.

ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره : ۲۳۲)

این دستورات برای شما پاکیزه تر است و زندگی شما را مرتب تر می کند.

سپس احکام دیگری درباره رضاع و شیر دادن به فرزندان بیان می شود و توضیح داده می شود که این شیر دادن چگونه باشد. اگر در این میان مادر یا کودک مشکلی داشت، پدر حق ندارد از علاقه طبیعی میان مادر و فرزند سوءاستفاده کند. وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ (بقره : ۲۳۳)

پدر باید وظایف خود را در تأمین روزی و پوشاک به شایستگی انجام دهد.

وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره : ۲۳۳)

و پدر همه این امور را هم باید به شایستگی انجام دهد.

لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (بقره : ۲۳۳)

این احکام برای فشار آوردن نیست و خداوند انسان را تنها در محدوده توانش مکلف می کند.

لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ (بقره : ۲۳۳)

این ها همه دستورهای روشنی است که خداوند بیان می کند.

در نهایت، همه این ها زمانی ارزش دارد که شما آن ها را ببینید و با عقل، توجه و نیت خیر به سوی اصلاح بروید. اگر چنین کنید، زندگی شما سامان می یابد. از انجام این دستورات الهی نترسید؛

إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره : ۲۳۴)

خداوند می داند چه می کنید، از مشکلات شما آگاه است و همه نیت های درست و نادرست شما را می داند. بر شماست تقوا؛ یعنی مراقبت، دقت، و اینکه انسان آنچه را می فهمد به آن عمل کند.